

گونه‌های روایات تفسیری امام سجّاد^(ع) در حوزه تعیین مصداق

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۵

سهیلا جلالی کندری*

عذرا میثاقی**

چکیده

بسیاری از روایات تفسیری ائمه اطهار^(ع) در پی تفسیر آیات قرآن نیست، بلکه در پی تطبیق آن بر برخی از مصداقیق آیه است. این در حالی است که عدم تفکیک حدود این روایات با روایاتی که درصدد تفسیر مفهوم آیه هستند، موجب شکل‌گیری پندارهای ناروا بر شیعه گشته است.

اهمیت جداسازی انواع این روایات، ضرورت تحقیق حاضر را روشن می‌سازد. در این مقاله پس از استخراج روایات تفسیری آن حضرت از مهمترین تفاسیر روایی شیعه و کتب حدیثی، سعی شده است گونه‌های آن روایات در بیان مصداقیق آیات مورد بررسی قرار گیرد.

در نتیجه این تحقیق روشن شد که روایات تفسیری امام سجّاد^(ع) در حوزه تعیین مصداق، به صورت کلی شامل روایات تعیین کننده مصداق ظاهر و تعیین کننده مصداق باطن است و نوع اول خود به انواع مصداق ظاهری کامل، مصداق ظاهری اتم و مصداق عام تقسیم می‌شود. عامل مهم در شکل‌گیری این گونه روایات تفسیری امام سجّاد^(ع) آن است که حضرت به دلیل شرایط حاکم بر عصر خویش سیاست تقیه را برگزیدند؛ اما این سیاست موجب نشد که از اعلام حقانیت و جایگاه اهل بیت پیامبر^(ص) غافل شوند. یکی از راهکارهای ایشان برای نشان دادن این حقانیت، تطبیق آیات قرآن بر شرایط عصر و زمان خود و اهل بیت پیامبر^(ص) است.

واژگان کلیدی

امام سجّاد^(ع)، روایات تفسیری، روش‌های تفسیری، تعیین مصداق، جری و تطبیق، تأویل

S_jalaliki@yahoo.com

* استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء^(س)

Ozra_misaghi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول دین قم

طرح مسئله

گونه‌شناسی روایات تفسیری، زیرمجموعه‌ای از علم روش‌های تفسیری است که موضوع آن؛ بررسی آن دسته از روایات اهل بیت (ع) است که به شناخت آیات قرآن کریم کمک می‌کند. بررسی این موضوعات، ما را به شناخت گرایش خاص امامان معصوم (ع)، در تفسیر قرآن رهنمون می‌شود و از این طریق می‌توان ارتباط شرایط عصر حیات ائمه (ع) با گرایش ایشان در تفسیر را دریافت. این مهم می‌تواند چراغ راه مفسران در ارائه تفاسیری متناسب با شرایط عصر حاضر و نوع مخاطبان باشد.

یکی از گونه‌های مهم روایات تفسیری، روایات تعیین کننده مصداق است. با وجود این که مصداق از حوزه علم تفسیر بیرون است؛ اما در مباحث معناشناسی، جایگاه مهمی در تبیین و تمرکز معنا دارد و نمی‌توان تأثیر دلالت‌های بیرون زبانی^۱ را در فهم معنا نادیده گرفت.

دو گونه معناشناسی وجود دارد؛ از این دو، یکی به نظام معنایی زبان می‌پردازد و با دلالت‌های مفهومی سر و کار دارد و دیگری معنا را با توجه به تجربیات جهان خارج بررسی می‌کند و با دلالت‌های مصداقی درگیر است (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۶۲). اهمیت مصداق در معناشناسی تا آنجاست که گاهی معنا به طور کامل با دلالت مصداقی مطابقت ندارد؛ اما این مصداق است که به مفاهیم شکل می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۶۸).

به همین دلیل مفسران، به رغم بی توجهی به مصداق در مباحث نظری، در بررسی واژه‌ها و جملات از ارجاع به مصداق ناگزیر هستند؛ زیرا حلّ مشکل معنا را با آن می‌دانند. اهمیت مصداق به این دلیل است که از طریق شناختی که در مفاهیم عینی به وجود می‌آید، دستیابی به مفاهیم انتزاعی را ممکن می‌سازد.

ائمه اطهار (ع) با این اهداف و همچنین جاری ساختن آیات قرآن در زمان خویش، به بیان مصداقی آیات پرداخته‌اند. با بررسی این مصداقی می‌توان به الگوی کامل‌تری از روش فهم قرآن دست یافت.

به دلیل همین رویکرد خاص ائمه (ع)، بسیاری از روایات گرد آمده در تفاسیر روایی، در پی تفسیر آیه نیست؛ بلکه در پی تطبیق آن بر برخی از مصداقی و در موارد

فراوانی، تطبیق بر بارزترین مصداق آن است. بنابراین، این گونه روایات هرگز گستره شمول و عموم آیه را محدود نمی‌کند و دست مفسر را در تطبیق آیه بر سایر مصداقیق آن نمی‌بندد؛ بلکه آیه دارای معنای عام است و همچنان به عموم خود باقی است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۶۸).

این در حالی است که عدم تفکیک حدود این روایات با روایاتی که در صد تفسیر مفهوم آیه هستند، موجب شکل‌گیری پندارهای ناروا بر شیعه گشته است. برای مثال گلدزیهر، مستشرق بنام یهودی، در مورد تفسیر شیعی آورده است:

«از دیدگاه شیعه، در قرآن از علی و آل وی بسیار سخن گفته شده، ولی به وسیله دیگران این آیات حذف شده است. مثلاً در آیه صد و شصت و شش نساء آمده است: «لَكِنَّ اللّٰهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا» شیعیان دو کلمه «فی علی» را به این آیه اضافه کرده‌اند ... آنان همچنین آیه دوست و بیست و هفت سوره شعراء را به صورت زیر می‌خوانند: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا [آل محمد حقهم] أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». (گلدزیهر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۵)

یکی از نویسندگان، ذیل این گفته گلدزیهر تأکید می‌کند که این موارد هرچند گاهی با تعبیر «انزل» آمده، اما نوعی از تفسیر یا تعیین مصداق کلام است و لفظ «انزل» به معنی قائل شدن به تحریف در لفظ نیست؛ بلکه به معنی تأکید بر سبب یا شأن نزول است (گلدزیهر، ۱۳۸۳، پاورقی ص ۲۶۵).

گلدزیهر در جایی دیگر آورده است:

«آنان (مفسران شیعه) با شیوه خود در تفسیر قرآن به این نتیجه می‌رسند که حق شیعیان و علویان در خصوص خلافت، به واسطه خلفای نخستین و خصوصاً امویان غصب شده است و قرآن در جاهای گوناگون، حق ائمه را بیان داشته و جایگاه آنان را ستایش نموده است و از امامی سخن می‌گویند که از دیده‌ها پوشیده است و در زمانی خواهد آمد و از دیدگاه آنان تفسیر صحیح همین است و بس.

شیعیان بر این باورند که یک چهارم قرآن در خصوص حق علویان است و یک چهارم دیگر آن در خصوص دشمنان آنان و یک چهارم دیگر در مورد

احکام شرعی و یک چهارم آخر در مورد قصص و امثال آن. در این صورت از دیدگاه آنان، قرآن در نهایت خود به صورت کتابی حزبی و شیعی درآمده است» (گلدزیهر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۸).

اشتباه گلدزیهر در این برداشت و نتیجه‌گیری پایانی او، این است که میان این تطبیق‌ها و تفسیر آیات قرآن، تفاوت قائل نشده است و این دسته از بیان مصادیق و تطبیق آیات الهی بر جهان خارج و موضوعات جدید و ضروری جامعه را تفسیر شیعه از آیات قرآن فرض کرده و در نهایت، تفسیر آنان را تفسیری حزبی به شمار آورده است.^۲ در صورتی که این روایات از باب جری و تطبیق است و در صدد بیان معنا و مفهوم آیه نیست.

بر اساس مطالبی که آمد، اهمیت بررسی گونه‌های روایات تفسیری ائمه (ع) در حوزه تعیین مصداق، روشن می‌شود. اما با توجه به این‌که این‌گونه بررسی‌ها، راهنمای مفسران در مسیر تفسیر و تطبیق آیات قرآن است، این هدف با بررسی جداگانه روایات تفسیری هر یک از معصومان، بهتر حاصل می‌شود؛ چرا که یافتن ویژگی‌های تفسیر هر یک از امامان معصوم (ع) که نشأت گرفته از فضای حاکم بر عصر حیات ایشان است، موجب دقت عمل مفسران در ارائه تفاسیر دقیق و متناسب با عصر حیات و سطح مخاطبین خود است. به علاوه، این‌گونه بررسی‌ها، ضمن تحلیل روایات آن امام معصوم (ع)، زوایایی از زندگی ایشان را نیز روشن تر می‌سازد.^۳ از این روی در این مقاله، روایات تفسیری امام سجّاد (ع) در حوزه تعیین مصداق، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه موضوع

بدون شک روایات تفسیری ائمه (ع) یکی از مهمترین منابع تفسیر قرآن کریم به شمار می‌آید، با این وجود، توجه به این دسته از روایات تا دوران معاصر بیشتر محدود به نقل در تفاسیر، به ویژه تفاسیر روایی بوده است.

بعدها متأخرین به بررسی روش‌شناسانه این دسته روایات پرداختند. از جمله می‌توان به کتاب‌های «آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان (ع)» تألیف علی

اکبر رستمی، «الخطوط و الاتجاهات العامه للتفسیر عند اهل البیت(ع)» نوشته محمد مهدی آصفی و «روش‌شناسی اهل بیت(ع) در تفسیر، تأویل و تطبیق قرآن» تألیف حسین تقوی دهاقانی اشاره کرد.

این دسته از کتاب‌ها با نگاهی جامع به روایات تفسیری معصومان(ع) پرداخته‌اند؛ اما لازم است تفسیر هر یک از ائمه(ع) نیز به صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرد. از همین روی در سال‌های اخیر، پایان‌نامه‌هایی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به جمع آوری و بررسی روایات تفسیری چند تن از ائمه(ع) اختصاص یافته است. گرچه این نویسندگان عموماً از روش یکسانی در بررسی روایات پیروی نکرده‌اند اما پیرامون روش‌شناسی روایات تفسیری امام سجّاد(ع) تا کنون پژوهش مستقل و جامعی صورت نگرفته و تنها در آثار ذیل به جنبه‌هایی از تفسیر آن حضرت و رویکرد ایشان به قرآن کریم پرداخته شده است:

۱- مسند امام سجّاد(ع)؛ تألیف عزیز الله عطاردی.

مؤلف به جمع تمامی روایات حضرت در موضوعات مختلف همت گمارده است؛ اما اولاً بخش تفسیر آن ناقص است و ثانیاً روش‌شناسی نشده است.

۲- اثر القرآن فی الصحیفه السجّادیه؛ تألیف کاصد یاسر حسین الزیدی.

۳- پژوهشی در استخراج مضامین قرآنی از صحیفه سجّادیه امام سجّاد(ع)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهین بهمنش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، سال ۷۹.

۴- تجلی قرآن کریم در صحیفه سجّادیه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ربابه محمد زاده سرایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، سال ۸۲.

۵- تجلی قرآن در دعای ابوحمزه ثمالی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد افتخاری، دانشگاه تهران.

۶- تجلی قرآن در صحیفه سجّادیه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد سمیه صادقی، دانشگاه تربیت معلم تهران، ۸۵.

در منابع یاد شده، پاره‌ای از مفاهیم دینی، اخلاقی و ... در قرآن کریم شرح داده شده و مضامین آن از صحیفه سجّادیه یا دعای ابوحزمه استخراج شده است که علاوه بر محدود بودن منابع آن‌ها، ارتباط چندانی با بحث تفسیر امام سجّاد (ع) ندارد.

۷- مقاله «امام سجّاد (ع) و روش‌های تفسیری»؛ نگارش محمدعلی اسدی نسب، ماهنامه کوثر، شماره ۵۷.

در این مقاله ده روش به عنوان روش‌های تفسیری امام سجّاد (ع) برشمرده شده و نویسنده ذیل هر یک از این روش‌ها، در اکثر موارد به ذکر یک مثال اکتفا نموده است. در این مقاله میان گونه‌ها و روش‌های تفسیری خلط شده است، به علاوه نویسنده در انتهای مقاله اشاره کرده است که در این نوشتار بحث ناتمام مانده و بررسی کامل در موضوع روش‌های تفسیری امام سجّاد (ع) و استقرای همه موارد تفسیری آن حضرت نیازمند نوشته‌ای مفصّل است.

۸- مقالات مندرج در ویژه‌نامه «قرآن و امام سجّاد (ع)»؛ فصلنامه بینات، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان ۸۹.

در این مقالات نیز رویکرد اصلی نویسندگان، بیان جایگاه قرآن در کلام امام سجّاد و دعا‌های ایشان، تطبیق موضوعی قرآن با صحیفه سجّادیه و رساله حقوق و تجلی قرآن در سیره امام سجّاد (ع) است و جز مقاله‌ای که به قلم نگارنده این سطور در ویژه‌نامه مذکور به تحریر درآمده و به آن اشاره خواهد شد، دیگر مقالات به روایات تفسیری امام سجّاد (ع) اشاره‌ای نکرده‌اند.

با توجه به مطالب مذکور، نگارنده این مقاله بر آن شد که در پژوهش‌هایی به بررسی روایات تفسیری امام سجّاد (ع) پردازد. بدین منظور، روایات امام سجّاد (ع) با مطالعه دقیق کتاب‌های بحارالانوار، صحیفه سجّادیه، البرهان فی تفسیر القرآن، نور الثقلین، تفسیر فرات کوفی، تفسیر صافی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، تفسیر عیاشی و تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، استخراج و مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن تا کنون، سامان یافتن مقاله‌هایی با این عناوین است:

- روش‌شناسی روایات تفسیری امام سجّاد (ع)، کتاب مقالات برگزیده بیست و هفتمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۰، ج ۱.

در این مقاله، به بررسی منابع امام سجّاد(ع) در تفسیر پرداخته شده است.
- جایگاه قرآن در روایات امام سجّاد(ع)، مجله بینات، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، ویژه‌نامه قرآن و امام سجّاد(ع).

در این مقاله ضمن بیان جایگاه تفسیر و علوم قرآن در عصر امام سجّاد(ع)، تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی در پرداختن ایشان به علوم قرآن، جایگاه قرآن در سیره امام زین‌العابدین(ع)، آموزش تفسیر و اصول آن در سیره حضرت و دسته‌بندی آماری موضوعات روایات تفسیری امام سجّاد(ع) ارائه شده و به فراخور بحث مورد دقت و تحلیل قرار گرفته است.

- گونه‌شناسی روایات تفسیری امام سجّاد(ع)، ارائه شده در همایش ملی سیره اهل بیت(ع) در تفسیر قرآن کریم، مرداد ۱۳۹۰، معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

در این مقاله، انواع روایات تفسیری آن حضرت به طور اجمالی بررسی شدند؛ اما بررسی روایات تفسیری ایشان در حوزه تعیین مصداق که شمار زیادی از روایات حضرت را نیز به خود اختصاص می‌دهد، مجال دیگری را می‌طلبید که این مقاله بدان می‌پردازد.

مفهوم روایات تفسیری

منظور از روایات تفسیری، روایاتی از معصومین، اصحاب پیامبر(ص) و تابعان آنان است که مبنای تفسیر نقلی قرآن قرار می‌گیرد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷). اما با وجود این که تعریف تفسیر و حدود آن روشن و بسیار محدود است،^۴ دانشمندان علوم قرآن و تفسیر، تعریف دقیقی از حدود روایات تفسیری ارائه نکرده‌اند. به این ترتیب تنها ملاک ما در مشخص کردن حدود آن، توجه به نوع روایات استفاده شده توسط مفسران در مباحث تفسیری، به ویژه در کتاب‌های تفسیر روایی است.

مراجعه به این منابع، نشان می‌دهد دایره این روایات نزد ایشان، بسیار فراتر از معنای اصطلاحی تفسیر است و آن‌ها تنها اخباری را که دربردارنده تفسیر به معنای مصطلح باشد، در محدوده آن نگنجانده‌اند، بلکه از هر روایتی که به نوعی به فهم آیات

قرآن کمک می‌کند نیز بهره‌جسته‌اند.^۵ البته برخی از معاصران، با دسته‌بندی روایات بیانگر آیات قرآن، تنها گروهی از آن‌ها که بیانگر تمام مراد خداوند از آیه قرآن است را روایات تفسیری دانسته و دیگر روایات را در دسته‌هایی نظیر روایات تأویلی، روایات بطن و ... آورده‌اند (شاکر، ۱۳۸۱، صص ۳۰۷-۳۰۸).

این تقسیم‌بندی شاید در دسته‌بندی انواع این روایات و شناخت کاربرد هر یک مفید باشد؛ اما در میان قدما و کاربرد عمومی این تعبیر، از جایگاه چندانی برخوردار نیست و آنچه عمومیت دارد، به کار بردن آن بدون چنین تقسیم‌بندی است.

یکی از پژوهشگران معاصر، دایره روایات تفسیری را بسیار گسترده می‌داند و در تعریف آن می‌نویسد: «حدیث تفسیری عبارت است از قول، فعل یا تقریر معصوم (ع) یا گزاره‌ای از امور و شئون مربوط به معصوم (ع) که در پرتو آن، جهتی از جهات معنایی قرآن، مفهوم گردد» (احسانی فر لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸).

ایشان ضمن بیان این تعریف، روایات تفسیری را به دو دسته مصطلح و غیر مصطلح تقسیم می‌کند و بدین ترتیب، تمام روایاتی را که ناظر به آیه‌ای از قرآن نیست، اما از نظر موضوع با آن‌ها هماهنگی دارد، در شمار روایات تفسیری غیر مصطلح و تمامی روایات ناظر به آیات قرآن کریم را در شمار روایات تفسیری مصطلح می‌آورد (احسانی فر لنگرودی، ۱۳۸۴، صص ۲۵۸-۲۶۰).

از این روی، روایات بررسی شده در این پژوهش، یعنی روایات تعیین‌کننده مصداق نیز در زمره روایات تفسیری امام سجاد (ع) قرار خواهد گرفت. برخی از دسته‌بندی‌ها و عناوین هر بخش، برای اولین بار اعتبار شده است تا از این طریق ویژگی‌های روایات تفسیری امام سجاد (ع) دقیق‌تر تبیین شود.

۱. روایات تفسیری امام سجاد (ع) در حوزه تعیین مصداق

این روایات یا در پی تعیین مصداق ظاهری لفظ است یا مصداق باطنی آن را روشن می‌سازد. مراد ما از مصداق ظاهری، مصادیق مفهوم ظاهری آیه و مراد از مصداق باطنی، مصادیق مفهوم عام مستفاد از آیه است که در ادامه به هر دو دسته این روایات خواهیم پرداخت.

۱-۱. تعیین مصداق ظاهری

در بخشی از روایات امام سجّاد(ع) در حوزه تعیین مصداق، مفهوم ظاهری آیه به شخص یا حادثه معینی منطبق شده است و به همین دلیل در عنوان «تعیین مصداق ظاهری» جای داده شده است.^۶

این مصادیق یا مربوط به زمان نزول قرآن است و یا مصادیقی می‌باشد که بعدها به دلیل فراگیر بودن احکام قرآن، در دایره مصادیق آن جای گرفته است که اکنون انواع آن را بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۱. مصداق کامل

مراد از مصداق ظاهری کامل، آن دسته از مصادیقی است که آیه در شأن آن‌ها نازل شده است. این مصادیق، در موارد اندکی، تنها مصداق آیات به شمار می‌رود که در این صورت شامل «جری و تطبیق»^۷ نیست، بلکه دربردارنده تفسیر آیه است؛ اما در بیشتر موارد، حکم آیه با وجود داشتن شأن نزول مشخص، محدود نمی‌شود. روایات دسته اول، با عنوان «شأن نزول‌های محدود کننده حکم آیه» و روایات دسته دوم با عنوان «شأن نزول‌های غیر محدود کننده حکم آیه» بررسی خواهد شد، که در هر دو دسته، منظور از شأن نزول، تنها نوع مصداقی آن است و دیگر انواع آن، که مربوط به وقایعی است که شأن نزول آیات شده است، به بحثی جداگانه نیاز دارد.

۱-۱-۱-۱. شأن نزول‌های محدود کننده حکم آیه

«فی قول الله: وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (احزاب: ۵۰) اختلف فی انه هل كانت عند النبی امرأة وهبت نفسها له أم لا؟ ... و قيل هی امرأة من بنی أسد یقال لها أم شریک بنت جابر عن علی بن الحسین(ع)» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۹۳).

ترجمه: [مفسران] درباره آیه «و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد، در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد [این ازدواج از روی بخشش] ویژه توست نه دیگر مؤمنان» دچار اختلاف شده‌اند که آیا زنی که خود را به پیامبر(ص)

ببخشد وجود داشت یا خیر؟ ... از امام سجّاد(ع) نقل است که او امّ شریک دختر جابر از قبیله بنی اسد بود.

در این روایت، تنها مصداق آیه شریفه عنوان شده است. این آیه از جمله آیاتی است که جز این شأن نزول مشخص، مصداق دیگری برای آن قابل فرض نیست.^۸ همچنین از امام سجّاد(ع) درباره آیه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه: ۱۳۲) نقل کرده‌اند که فرمود: «نزلت فی علی و فاطمة و الحسن و الحسین(ع)، کان رسول الله(ص) یأتی باب فاطمة(س) کل سحرة، فیقول: السلام علیکم أهل البیت و رحمة الله و برکاته، الصلاة یرحمکم الله إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً (احزاب: ۳۳)» (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۳۱۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۲۲۰، باب ۷، روایت ۱۹).

ترجمه: «این آیه در مورد علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) نازل شده است. پیامبر(ص) هر سحر بر در خانه فاطمه(س) می‌رفت و می‌فرمود: سلام بر شما اهل بیت و رحمت و برکت خدا بر شما باد. خدا شما را رحمت کند، خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند».^۹

۱-۱-۱-۲. شأن نزول‌های غیر محدود کننده حکم آیه

از امام سجّاد(ع) درباره آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۰۷) نقل است که فرمود: «نزلت فی علی(ع) حین بات علی فراش رسول الله(ص)» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۵۴، باب ۶، روایت ۱۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۰۴). ترجمه: این آیه در شأن علی(ع) زمانی که در بستر رسول خدا(ص) خوابید، نازل شده است.

علامه طباطبایی پس از بیان این روایت می‌گوید: «روایات از طرق شیعه و سنی بسیار آمده که آیه نامبرده درباره شب فراش نازل شده و تفسیر برهان به پنج طریق آن را از ثعلبی و دیگران نقل کرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۰).

به دنبال این بیان، ایشان شأن نزول دیگری را که در تفسیر الدرالمثور آمده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۰)، نقد و تنها شأن نزول مورد قبول آیه را امام علی(ع) می‌داند. علاوه بر این به روایتی از امیرالمؤمنین(ع) اشاره می‌نماید که مراد از آیه را کسی می‌داند که در راه خدا کشته شده باشد و ذیل آن می‌گوید:

«این بیان عموم آیه شریفه است، پس منافات ندارد که شأن نزول خاصی داشته باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۰).

سخن علامه طباطبایی، علاوه بر اینکه شأن نزول نقل شده از امام سجّاد(ع) را مورد تأیید قرار می‌دهد، به روشنی بیانگر این است که این شأن نزول خاص، با در نظر گرفتن مفهوم عام برای آیه منافی نیست.^{۱۰}

۱-۲-۱. مصداق اتم

مراد از مصداق ظاهری اتم، آن دسته از مصداقی است که بارزترین و کامل‌ترین مصداق آیه به شمار می‌آید و تفاوت آن با نوع قبل در این است که آیه در شأن آن‌ها نازل نشده است؛ اما مفهوم آیه به گونه‌ای است که در این مصداق، بارزترین نمود را دارد.

امام سجّاد(ع) در روایتی تفسیری ذیل آیه سی و پنج سوره نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ» فرمود: «إن مثلنا فی کتاب الله كمثل المشكاة، و المشكاة فی القندیل، فنحن المشكاة فیها مِصْبَاحٌ و المِصْبَاحُ محمد(ص) الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ نحن الزجاجة، يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ عَلٰی(ع)، زَيْتُونَةٍ مَعْرُوفَةٍ، لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ لَا مَنكَرَةَ وَلَا دَعِيَّةَ، يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورِ الْقُرْآنِ، عَلٰی نُورِ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِهِ كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ بِأَنْ يَهْدِي مَنْ أَحَبَّ إِلَى وَلَايَتِنَا» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۳۲۴، باب ۱۸، روایت ۴۰).

ترجمه: مثل ما در کتاب خدا، چون چراغدانانی است که در قندیلی است. ما آن چراغدانیم. در آن چراغدان، چراغی است و آن چراغ محمد(ص) است. چراغ در

شیشه‌ای است و ما آن شیشه‌ایم. [آن چراغ] از درخت خجسته‌ای افروخته می‌شود که علی(ع) است. [درخت] زیتونی که معروف است. آن درخت نه شرقی و نه غربی است؛ یعنی [نژادی] معروف و غیر قابل ایراد و اتهام است. نزدیک است که روغنش بی آنکه آتشی به آن برسد، روشنی بخشد. قرآن روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند و این مثل‌ها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست؛ یعنی هر که را دوست دارد، به ولایت ما هدایت می‌کند.

علامه طباطبایی در توضیح روایاتی از این دست می‌نویسد:

«روایات متعددی هم از طرق شیعه وارد شده که مفردات آیه نور را به رسول خدا(ص) و اهل بیت او تطبیق می‌کند و این البته صرف تطبیق است نه تفسیر، دلیل اینکه تطبیق است نه تفسیر، اختلاف این روایات است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۴۱).

بر این اساس، روایت حاضر، بیان مصادیق بارز آیه و تطبیقش بر آن مصادیق است.

همچنین از امام سجّاد(ع) نقل می‌کنند که فرمود: «و فيه [القائم ع] نزلت: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵)، (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۶۱).

ترجمه: آیه «خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که به ایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند» در مورد قائم(ع) نازل شده است.

و در روایت دیگر با همین مضمون آمده است:

امام سجّاد(ع) این آیه را تلاوت کرد و فرمود: «هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل ذلك بهم على يدى رجل مننا وهو مهدي هذه الامة وهو الذى قال رسول الله(ص): لو

لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي إِسْمُهُ إِسْمِي
يَمَلُّهُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِّتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۹۶؛
حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۲۰).

ترجمه: به خدا قسم، ایشان شیعیان ما اهل بیت هستند. این کار به دست مردی از
ما برای ایشان شکل می‌گیرد که او مهدی این امت است و اوست آن کسی که رسول
خدا(ص) فرمود: اگر تنها یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن روز را تا آنجا
طولانی می‌سازد که مردی از عترت من بیاید که هم نام من است. زمین را از قسط و
عدل آکنده سازد همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده است.

گفتنی است که آیه الله معرفت در کتاب التفسیر و المفسرون، این تفسیر را از نوع
مفهوم عام مستفاد از بطن آیه که بر مهدی(عج) منطبق می‌شود، دانسته است (معرفت،
۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۷) که با تعریف ما از مصداق باطنی هماهنگی دارد. البته ایشان تمام
روایاتی را که آیه‌ای از قرآن را در شأن مهدی(عج) می‌داند، تأویل آیه، می‌شمرد.^{۱۱}

در صورتی که بیشتر این تفاسیر را می‌توان از جمله بارزترین مصادیق معنای
ظاهری آیه، یعنی «مصداق ظاهری اتم» دانست؛ چراکه در تعریف مصداق باطنی (که
همان انطباق مفهوم عام مستفاد از بطن آیه است) خواهیم گفت که این مصادیق، نه
برآمده از ظاهر آیه، که مصداقی از مفهوم عامی است که در پس معنای ظاهری قرار
دارد. بر این اساس، قرارداد این روایت ذیل آن مبحث، در این پژوهش و با وجود
تعاریفی که برای مشخص کردن هر یک از انواع مصداق، اعتبار می‌شود، صحیح به نظر
نمی‌رسد؛ چراکه در تبیین معنای ظاهری این آیه در تفسیر المیزان آمده است:

«آیه درباره بعضی از افراد امت اسلام است که مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ» می‌باشند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۵۴).

و در ادامه آمده است: «وعده استخلاف در آیه، جز با اجتماعی که با ظهور
مهدی(عج) برپا می‌شود، با هیچ اجتماعی قابل انطباق نیست ... ناگزیر اگر مصداقی پیدا
کند، در زمان مهدی(عج) خواهد بود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۵۵).

به این ترتیب امام زمان(عج) بارزترین انسان با ایمانی است که در زمین، امنیت را
جانشین ترس و بیم خواهد ساخت.

درباره آیه «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (حدید: ۱۹) از امام سجّاد(ع) نقل است که می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ لَنَا وَ لِشِيعَتِنَا» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۵۳).

ترجمه: این آیه در شأن ما و شیعیان ما است.

در روایت دیگری از امام سجّاد(ع) درباره آیه «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَي النَّاسِ» (حج: ۷۸) نقل است که می‌فرماید: «نحن هم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۲۹؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۳۵۰، باب ۲۰، روایت ۵۹).
ترجمه: منظور ما هستیم.

علامه طباطبایی در تفسیر «شُهَدَاءَ عَلَي النَّاسِ» که توضیح آن را ذیل آیه صد و چهل و سه سوره بقره آورده است، می‌نویسد:

«چون این امت وسط و عدل است، لذا هر دو طرف افراط و تفریط باید با آن سنجش شود، پس به همین دلیل بر سایر مردم هم که در دو طرف قرار دارند، شهید است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۰).

بی شک کامل‌ترین نمونه این امت، علی(ع) و دیگر ائمه هستند.^{۱۲}

۱-۳. مصداق عام

در میان روایات امام سجّاد(ع) گاه به تعیین مصداقی از آیات پرداخته می‌شود که تنها یکی از مصداقی محتمل برای آیه است ولی مانند مصداق اتم، از جایگاه خاصی در میان دیگر مصداقی برخوردار نیست.

از امام علی بن حسین(ع) درباره آیه «وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَي سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (حجر: ۴۷) نقل است که می‌فرماید: «نزلت فی ابی بکر و عمر و علی...» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۰۱؛ شوشتری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۴۷).

ترجمه: در شأن ابوبکر، عمر و علی(ع) نازل شده است.

علامه طباطبایی ذیل آیه در شرح این روایت و روایات دیگر نظیر آن، می‌نویسد: «این روایات به شهادت اختلافی که در آنهاست، همه تطبیقاتی است که راویان

حدیث، آیه را با عده‌ای تطبیق نموده‌اند؛ وگرنه خود آیه شریفه و سیاق آن با این معنا که درباره عده مخصوص نازل شده باشد، نمی‌سازد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۷۷). لازم به ذکر است که علامه طباطبایی میان تفسیر و تطبیق، تفاوت قائل است و روایاتی را که در آن، آیات به افرادی نسبت داده شده‌اند، از باب جری و تطبیق می‌داند که بسیاری از آن‌ها همان روایاتی است که ما در اینجا تحت عنوان بیان مصداق می‌آوریم.

مردی گفت: از [امام] علی بن حسین(ع) درباره آیه «وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود: ۱۱۸) سؤال کردم، فرمود: «عنی بذلک من خالفنا من هذه الامة، و کلهم یخالف بعضهم بعضاً فی دینهم، و أما قوله: «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (هود: ۱۱۹) فأولئك أولیاءنا من المؤمنین» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۴۷؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۰۵).

ترجمه: منظور از آن، کسانی از این امتند که با ما مخالفت کردند و تمام آن‌ها خود با یکدیگر در دینشان در اختلافند و منظور از آیه «مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده‌است» دوستان ما از میان مؤمنانند.

علامه طباطبایی، اختلاف مطرح شده در آیه را، مربوط به اختلاف در دین می‌داند و با این تعبیر «وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» به این معنی خواهد بود که مردم تا ابد در امر دین اختلاف دارند و جمله «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» بیانگر این است که از عده خاصی، این اختلاف برداشته شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۶۱-۶۲).

بنابر این تفسیر، این کلام الهی شامل تمامی اختلاف‌های ادیان، از ابتدا تاکنون است و تنها یکی از مصادیق آن، در روایت امام سجّاد(ع) مطرح شده است.

همچنین از حضرت زین العابدین(ع) ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتُرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَإِخْلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران: ۷۳) نقل کرده‌اند که فرمود: «ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة و لا ينظر إليهم و لا يزكّيهم و لهم عذاب أليم: من جحد إماماً من الله، أو ادعى إماماً من غير الله، أو زعم أن فلان و فلان في الإسلام نصيباً» (عیاشی،

۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۸؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۴۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۱۱۱، باب ۳، روایت ۴).

ترجمه: سه دسته هستند که خدا در قیامت با آن‌ها سخن نمی‌گوید، به ایشان توجهی ندارد و گرفتار عذابی دردناکند: هر کس منکر امام به حق باشد یا ادعای امامت به ناحق کند یا گمان کند که فلانی و فلانی در اسلام بهره و نصیبی دارند. از آنجا که ابتدای آیه هفتاد و هفت سوره آل عمران بیانگر آن است که عاقبت عنوان شده در انتهای آن، شامل افرادی است که عهد و پیمان خویش را با خدا نادیده می‌گیرند، بنابراین، سه گروهی که در روایت مطرح شده است، مصادیقی از آن به شمار می‌آید.

و از ابو حمزه ثمالی نقل کرده‌اند که از علی بن حسین (ع) و حسن بن حسن بن علی (ع) درباره آیه «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» (سبأ: ۵۱) شنیدم که فرمودند: «هو جيش البیداء يؤخذون من تحت أقدامهم» (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۶۲۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۴۳).

ترجمه: مقصود، سپاه سفیانی است که در بیداء، در زمین فرو می‌روند و هلاک می‌شوند.

درباره این آیه چند قول مطرح است. مفسران المیزان و نمونه با استناد به سیاق آیات قبل و بعد، این آیه را در مورد عذاب دنیوی و وصف حال مشرکین در هنگام مرگ می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۵۲). این قول از قتاده (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۴۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۹۲-۵۹۳) نیز نقل شده است.

بر اساس این تفسیر، که با توجه به سیاق آیات، صحیح‌ترین تفسیر است، تفسیر امام سجّاد (ع) از آیه که بیانگر حال گروهی از این مشرکان هنگام مرگ است، مصداقی از مصادیق آن به شمار می‌آید. اما قول مهم دیگر که در تفاسیری همچون التبیان (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۰۸) و مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۶۲۱) پذیرفته شده و مفسران دیگر نیز آن را میان نظرات مختلف نقل کرده‌اند، (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۹۰ و ...) این است که آیه مربوط به بعث و

روز قیامت است. در صورت پذیرش این تفسیر، روایت امام سجّاد(ع) بیان مصداق باطنی آیه محسوب خواهد شد که در ادامه پیرامون آن سخن گفته می‌شود. در روایت آمده است که امام سجّاد(ع) درباره آیه «وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ» (الرحمن: ۲۷) فرمود: «نحن الوجه الذي يؤتى الله منه» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۹۲). ترجمه: ما آن وجهیم که از آن به سوی خدا آیند. علامه طباطبایی ذیل این آیه پس از تبیین اینکه وجه هر چیز، قسمتی از آن چیز است که به آن اشاره می‌شود، می‌نویسد: «هر چیزی که منسوب به خداوند است و به هر نوعی به وی انتساب دارد، از اسماء و صفاتش گرفته تا ادیان و اعمال صالح بندگان و همچنین مقربین درگاهش، از انبیا و ملائکه و شهدا و مؤمنینی که مشمول مغفرتش شده باشند، همه و همه، وجه خدایند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۰۰-۱۰۲). بر اساس این توضیح، تفسیر امام(ع)، بیان یکی از مصداق‌های ظاهری آیه به شمار می‌رود.^{۱۳}

۲-۱. تعیین مصداق باطنی

مقصود از روایات بطن، روایاتی است که دربردارنده معنا یا مصداقی می‌باشد که ظاهر لفظ آن را در بر ندارد. آیه‌الله معرفت در این باره می‌نویسد: «[یکی از معانی] تأویل، انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه‌ای است که در مورد خاص نازل شده است؛ اهل فن گفته‌اند: «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد». از تأویل به این معنا، گاهی به «بطن» یعنی معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید هم تعبیر شده است، در مقابل ظاهر یعنی معنای اولیه‌ای که ظاهر آیه برحسب وضع و کاربرد، آن معنا را می‌دهد» (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴).

در این گونه روایات، خصوصیات و قراینی که آیه را دربر گرفته است، کنار گذاشته شده و به عموم لفظ و عموم ملاک استناد جسته می‌شود (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷-۳۳) و گاه به یکی از بارزترین نمونه‌های این معنی کلی، اشاره می‌شود که در این صورت، تعیین مصداق باطنی شمرده خواهد شد. بر این اساس، روایاتی که به تعیین مصداق باطنی می‌پردازد، در حقیقت زیر مجموعه‌ای از معنای باطنی به شمار می‌آید.

در ادامه به تعدادی از روایات امام سجّاد(ع) در بیان مصادیق باطنی آیات، اشاره خواهد شد:

از امام زین العابدین (ع) درباره آیه «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» (حجر: ۴۱) نقل است که فرمود: «هو أمير المؤمنين(ع)» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۶۷؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵).

ترجمه: این [راه]، امیرالمؤمنین(ع) است.

در تفسیر این آیه از سوره حجر، نظرات مختلفی عنوان شده است. این اختلاف ناشی از اختلاف در مرجع اسم اشاره «هذا» می‌باشد. این کلام ربوبی پاسخی است به ادعای شیطان در گمراه کردن انسان‌ها در آیه پیشین که گفت: «قَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (حجر: ۳۹-۴۰). برخی معتقدند «هذا» به اخلاص اشاره دارد که از لفظ مخلص گرفته شده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۴۵). برخی گفته‌اند که اخلاص راه رسیدن به عبودیت است و این عبودیت مرجع اسم «هذا» است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۴۵). برخی برای آن معنی تهدیدی قائل شده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۵۱۹).

گروهی نیز آن را به معنی تفویض امور به خداوند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۴۵) و افرادی آن را به معنی دین مستقیم دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۳۷). گروهی از مفسران نیز با توجه به آیه بعد، مفهوم این آیه را کنایه از عدم قدرت شیطان بر بندگان خدا دانسته‌اند، مگر کسانی که شخصاً بخواهند از او پیروی کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۷۳) بدین معنی که این اعمال شیطان نیز به حول و قوه الهی است و آن چنان که خودش می‌پنداشته، نیست.

از این روی، تعبیر امام سجّاد(ع) به هیچ روی تبیین ظاهری آیه نیست؛ بلکه مصداقی از مصادیق باطنی آیه است که با پذیرفتن برخی از تفاسیر ظاهری (نظیر: اخلاص، عبودیت و دین مستقیم) صحیح خواهد بود.

امام سجّاد(ع) درباره آیه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» (عنکبوت: ۸) فرمود: «إن كان الأبوان إنما عَظَمَ حَقَّهُمَا عَلَى الْأَوْلَادِ لِإِحْسَانِهِمَا إِلَيْهِمْ، فإِحْسَانِ مُحَمَّد(ص) و على(ع) إلى هذه الامة أجل و أعظم، فهما بأن يكونا أبويهم أحق» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۰۷).

ترجمه: اگر حق پدر و مادر بر فرزندان به دلیل احسان آن دو به ایشان، سنگین است، احسان محمد(ص) و آل او عظیم‌تر است، پس ایشان سزاوارترند که پدران واقعی آن‌ها باشند.

علامه طباطبایی ذیل آیه سی و شش سوره نساء،^{۱۴} در توضیح روایتی از امام صادق(ع) که علی(ع) و پیامبر(ص) را پدران این امت دانسته و احسان بر آن‌ها را واجب شمرده است، می‌گوید:

«پدر یا والد به معنای آن کسی است که مبدأ بشری وجود انسان باشد و مسئولیت تربیت او را به عهده داشته باشد. بنابر این معنا، معلم آدمی و مربی کمالات او نیز پدر او است و رسول خدا (ص) و حضرت امیرالمؤمنین(ع) از هر کس دیگری و حتی از پدر جسمانی او سزاوارتر به این هستند که برای مؤمن پدر باشند ... و آیاتی که در قرآن سفارش والدین را به اولاد می‌کند بر حسب باطن، شامل این دو بزرگوار نیز می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۵۷).

بنابر این توضیح، روشن است که فرموده امام زین العابدین(ع) ذیل آیه نیز در پی تبیین همین مفهوم است و مصداقی از مصداق باطنی آیه را بازگو می‌نماید.

از امامان زین العابدین(ع) و جعفر صادق(ع) نقل کرده‌اند که می‌فرمایند: «ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَأَفَّةً» (بقره: ۲۰۸) فی ولایة علی(ع) «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» قالوا: لا تتبعوا غيره» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۹۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۴۷؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۰۶).

ترجمه: همگی در سلم داخل شوید، یعنی در ولایت علی(ع) و پیروی نکنید گام‌های شیطان را، یعنی از غیر علی(ع) پیروی نکنید.

مفسران واژه «سَلْم» را اطاعت و اسلام دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۳۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۱) و گروهی نیز آن را صلح و آرامش معنی کرده‌اند. بر

این اساس مفهوم آیه چنین خواهد بود: صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان‌پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۱).

از این رو تفسیر سلم به ولایت ائمه، از مصادیق باطنی آیه است که با معنای ظاهری آن نیز تناسب دارد؛ چرا که نظم و استقرار جامعه بعد از پیامبر (ص) در پرتو ولایت ائمه (ع) تحقق می‌پذیرد.

ثویر بن ابی فاخته نیز گوید: [امام] علی بن حسین (ع) به من فرمود: «أتقرأ القرآن قال: قلت نعم. قال: فاقراً طسم، سورة موسى و فرعون. قال: فقرأت أربع آيات من أول السورة إلى قوله «وَنَجْعَلُهُمْ أُتْمَةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ [الآية]» (قصص: ۵) قال لی مکانک حسبک و الذی بعث محمداً «بالحق بشیراً وَ نذیراً» إن الأبرار منا أهل البيت و شیعتنا [و شیعتهم] کمنزلة [بمنزلة] موسی و شیعته و ان عدونا و أشیاعهم بمنزلة فرعون و أشیائه» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۳۱۴؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۳۷۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۵۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۰۹).

ترجمه: قرآن خوانده‌ای؟ عرض کردم: آری. فرمود: سوره طسم، سوره موسی و فرعون، را بخوان. راوی گوید: سپس من چهار آیه از ابتدای این سوره را خواندم تا به آیه «آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم». حضرت فرمود: همین جا صبر کن. به خدایی که محمد (ص) را به حق فرستاد، نیکان ما اهل بیت (ع) و یارانمان، به منزله موسی و یاران اویند و دشمنان ما و یاوران آنها، به منزله فرعون و یاران او.

با توجه به سیاق آیات که درباره موسی (ع) و یاران او صحبت می‌کند و تصریح امام سجاد (ع) به تطبیق اهل بیت (ع) و شیعیانشان به موسی (ع) و یارانش، این روایت در صدد بیان مصداق باطنی آیه است.

مؤلف کتاب التفسیر و المفسرون، ضمن اشاره به این روایت می‌نویسد: «چنین روایاتی جنبه تأویلی دارد و به بطن آیه نظر دارند و مفهوم عام مستفاد از آیه را تطبیق داده‌اند. بنابراین برخی بیهوده تلاش کرده‌اند تا این گونه روایات را تفسیر پندارند و نام فرعون و هامان را تعبیر کنایی محض گیرند تا رمزی باشد برای مطلق گردنکشان و فسادگران روی زمین» (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۲).

بنابر این سخن، روایت مورد نظر درصدد بیان یکی از مصداقیق باطنی آیه است که از مفهوم عام آیه گرفته شده است.

همچنین در روایات آمده است که امام زین العابدین(ع) درباره آیه «بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا» (بقره: ۹۰) فرمود: «بِالْوَلَايَةِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۸۵؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۲۳، ص ۳۵۴، باب ۲۱، روایت ۱).

ترجمه: یعنی به ولایت علی(ع) و اوصیاء از میان فرزندان ایشان. سیاق آیات در این بخش از سوره، به روشنی بیانگر این است که آیه مربوط به یهود و کفر آنها نسبت به اسلام و قرآن است. علامه طباطبایی ذیل این آیه آورده است: «با وجود این که یهود همواره در آرزوی بعثت رسول خدا(ص) بودند، پس از نزول قرآن و هجرت ایشان به مدینه، در حالی که حضرت را می‌شناختند، به دلیل حسد و استکبار، به وی کفر ورزیدند و منکر حقانیت اسلام شدند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۲).

به همین ترتیب، دیگر مفسران نیز به اتفاق، آیه را در مورد یهود می‌دانند (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۱۴؛ بلاغی نجفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۴۵؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۰۱ و...). روایات شأن نزول نیز مؤید همین مطلب است.^{۱۵}

لذا تفسیر ارائه شده در روایت امام سجّاد(ع) که نظیر آن را در روایتی از امام باقر(ع) نیز شاهدیم، (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۸) مصداق باطنی آیه محسوب می‌شود که بر اساس قاعده جری و توسعه مفهوم کلی آیه، بر وقایع پس از نزول قرآن، تطبیق داده شده است.

امام سجّاد(ع) در تفسیر آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (بقره: ۱۷۶) فرموده است: «هذه أحوال من كتم فضائلنا، و جحد حقوقنا، و سمى بأسمائنا، و لقب بالقبابنا، و أعان ظالمانا على غضب حقوقنا، و مالأ علينا أعداءنا» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۸۴).

ترجمه: این احوال کسانی است که فضایل ما را کتمان نمودند و حقوق ما را منکر شدند. نام ما و لقب ما را بر خود نهادند، به ظلم کننده به ما در غصب حقوقمان یاری رساندند و به دشمنانمان بر علیه ما کمک کردند.

در این آیه شریف، صحبت از نزول کتابی آسمانی است که مفسران منظور از آن را تورات، قرآن و یا هر دوی آنها دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۹۳؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۷۲). پس تطبیق آن بر ائمه (ع) از باب تفسیر باطنی آیه است؛ چراکه منظور کلی آیه را می‌توان نزول هر آیت حقی از جانب خداوند دانست و بنابر این مفهوم کلی، یکی از مصادیق باطنی آیه، ائمه اطهار (ع) و منکران ایشان خواهد بود.

همچنین از امام علی بن حسین (ع) نقل است که فرمود: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (بقره: ۱۴۸) و هم أصحاب القائم (ع)» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۵۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۹؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۹).

ترجمه: «هر کجا که باشید، خدا همه شما را حاضر می‌آورد»، منظور، یاران امام قائم (ع) است.

این آیه با توجه به سیاق آیات قبل و بعد از آن، به روز قیامت اشاره دارد و مفسران نیز این مطلب را تأکید می‌کنند (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۰۲). لذا روایت‌هایی که این جمع شدن را مربوط به یاران امام زمان (عج) می‌داند، مصداقی از مفهوم باطنی آیه است.^{۱۶}

علامه طباطبایی معتقد است که ارائه این نوع تفسیر باطنی، ذیل آیات قیامت توسط اهل بیت (ع) به این دلیل است که روز رجعت یکی از مراتب قیامت می‌باشد. به این ترتیب که بر اساس آیات و روایات، قیامت روز کنار رفتن تمام پرده‌ها و برطرف شدن اوهام است و هیچ تناقضی میان حیات دنیوی و اخروی وجود ندارد تا نشان دهد، آمدن قیامت به همراه نابودی دنیا است. از سوی دیگر، روایات دال بر رجعت نیز در یک معنا مشترکند و آن ظهور آیات خداوند به تمام معنی است و در آن روز انسان‌هایی که در خوبی و بدی برجسته بودند، به دنیا برمی‌گردند تا بین حق و باطل حکم شود. این معانی نشان می‌دهد که روز رجعت یکی از مراتب قیامت است.

ظهور مهدی(عج) نیز چنین است؛ چون بر اساس نصوص دینی، در آن روز، حق به تمام معنا ظاهر می‌شود. اتحاد این سه روز از نظر حقیقت با وجود اختلاف در مراتب، باعث شده است که در تفسیر ائمه(ع) بعضی آیات گاه به روز قیامت، گاه به رجعت و گاه به ظهور مهدی(عج) تطبیق شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۰۹).

در نقلی دیگر از امام علی بن حسین(ع) روایت شده که فرمود: «يَقْتُلُ الْقَائِمَ (ع) مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْأَجْفَرِ - وَيَصِيبُهُمْ مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ قَالَ فَيَضِجُونَ وَ قَدْ نَبَتْ لَهُمْ ثَمَرَةٌ يَأْكُلُونَ مِنْهَا وَ يَتَرَوْدُونَ مِنْهَا وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى شَأْنُهُ «وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ» (یس: ۳۳) - ثُمَّ يَسِيرُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْقَادِسِيَّةِ وَ قَدْ اجْتَمَعَ النَّاسُ بِالْكُوفَةِ وَ بَايَعُوا السُّفْيَانِيَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۸۷).^{۱۷}

ترجمه: قائم گروهی از مردم مدینه را می‌کشد [و سپس با لشکرش از مدینه بیرون می‌آید] تا به «اجفر» می‌رسد در آنجا دچار گرسنگی سختی می‌شوند. گوید: آن‌ها ناله می‌کنند و همان موقع میوه برای آن‌ها روئیده می‌شود و آن‌ها هم از آن می‌خورند و از آن توشه می‌گیرند این است معنی آیه «و زمین مرده، برهانی است برای ایشان، که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند». آنگاه حرکت می‌کند تا به قادسیه می‌رسد. در آن موقع مردم در کوفه اجتماع و با سفیانی بیعت کرده‌اند.

نکته قابل توجه در مصادیق باطنی عنوان شده از سوی امام سجّاد(ع) این است که در مواردی، حضرت خود به ارتباط ظریف میان مصداق باطنی عنوان شده و معنای ظاهری آیه، اشاره کرده است^{۱۸} که این خود به نوعی، آموزش روش تطبیق صحیح آیات و یافتن مصادیق آن در گذر زمان است.

همان‌گونه که از بخش‌های پیشین روشن شد، در روایات تفسیری امام سجّاد(ع) آیات فراوانی بر اهل بیت(ع) و مخالفان آن‌ها تأویل و تطبیق شده است و در بسیاری موارد، از ایشان به عنوان مهمترین مصادیق آیات، یاد شده است. علت کثرت این روایات که همان روایات «جری» می‌باشد، این است که پس از رحلت رسول اکرم(ص) مسأله خلافت و ولایت، مهمترین مسأله سیاسی، اجتماعی و مذهبی بوده است و جریان حق و باطل، روشن‌ترین نمود خود را در جریان درگیری بین طرفداران امامت اهل

بیت (ع) و مخالفان آن‌ها داشته است. طبیعی است که در چنین شرایطی، امام زین العابدین (ع) آیاتی از قرآن را بر وقایع و جریان‌های زمان خویش منطبق سازد (شاکر، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹).

دلیل دیگر این امر، در یکی از روایت‌های امام سجّاد (ع) آمده است. حضرت در این روایت می‌فرماید: «فَاَحْذَرُوا مَا قَدْ حَذَّرَكُمُ اللَّهُ وَ اتَّعِظُوا بِمَا فَعَلَ بِالظَّالِمَةِ فِي كِتَابِهِ وَ لَا تَأْمَنُوا أَنْ يُنَزَلَ بِكُمْ بَعْضَ مَا تَوَاعَدَ بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فِي الْكِتَابِ تَاللَّهِ لَقَدْ وُعِظْتُمْ بِغَيْرِكُمْ وَ إِنَّ السَّعِيدَ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۰، ص ۵۰۵).

ترجمه: حذر کنید از آنچه خدا شما را بر حذر داشته و پند گیرید از آنچه با ستمکاران کرده و در قرآن ثبت است و در امان نباشید از این که پاره‌ای از آنچه در کتاب خدا به ستمکاران وعده کرده است، بر شما فرود آید. به خدا شما با دیگران پند داده شده‌اید و خوشبخت کسی است که با دیگران پند داده می‌شود.

این روایت امام سجّاد (ع) اهمیت توجه به مفهوم عام آیات قرآن، حتی آیاتی را که در شأن ظالمان نازل شده است، بیان و تأکید می‌کند که آیات قرآن کریم منحصر به مورد نزول نیست و برای پند گرفتن تمام انسان‌ها و جاری شدن در تمام مکان‌ها نازل شده است.

۲. شرایط عصر امام سجّاد (ع) و تأثیر آن بر گونه‌های روایات تفسیری ایشان

دوران امامت امام سجّاد (ع)، از دشوارترین دوران امامت ائمه هدی (ع) بوده است. شهادت فرزند پیامبر (ص)، واقعه حرّه، به آتش کشیدن خانه خدا و حرمت شکنی‌های بسیار از سوی حکام بنی امیه، گوشه‌هایی از وقایع مربوط به آن دوران است. علاوه بر نا آرامی‌ها و خفقان‌های سیاسی (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۴۳)، شکل‌گیری انحراف‌های شدید اخلاقی و رواج فساد و بی بند و باری در شهرهای مهمی همچون مدینه، همه جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی عصر امام سجّاد (ع) را تشکیل می‌دهد که خالی از اصول اسلام راستین بود (حاج حسن، ۱۴۱۴، ص ۱۳۰).

برنامه‌های معاویه و جانشینانش در این چند دهه موجب شده بود که نه شکل‌گیری حکومت اسلامی، بلکه برپاسازی اسلام ناب و اصیل و شناساندن اصول دینی و اخلاقی به نسل جدید مسلمانان وجهه عمل آن حضرت قرار گیرد.

امام سجّاد(ع) در این شرایط دشوار، سیاست تقیّه را در پیش گرفت به صورتی که از نبرد و برخورد سیاسی مستقیم با حاکمان خودداری می‌کرد (مسعودی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸).

از جمله مهمترین دلایل اتخاذ این سیاست علاوه بر شرایط سیاسی نامناسبی که به آن اشاره شد، کم بودن تعداد یاران واقعی امام(ع) و تنها ماندن ایشان است که خود حضرت در روایتی به آن اشاره کرده است (طبرسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۱۵).

این اقدامات امام سجّاد(ع) موجب شده است که بعضی نویسندگان به ویژه مورخان اهل سنت، ایشان را فردی اهل سازش بدانند که از امور اجتماع کناره گرفته و به مسائل عبادی خویش مشغول بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۱۰؛ رنجبر، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

این در حالی است که بررسی روایات رسیده پیرامون امام سجّاد(ع) نشان می‌دهد که در آموزش اسلام راستین، حضرت بی هیچ واژه‌ای به بیان تمامی حقایق و دفاع از حقوق خاندان پیامبر(ص)، یادآوری مظلومیت‌های آنها و اصل امامت می‌پرداختند که نمونه‌های آن در دعا‌های صحیفه سجّادیه و روایات تفسیری امام(ع) کم نیست. علت این موضوع را می‌توان محدود بودن سیاست تقیّه حضرت به دو مؤلفه دانست: به حکومت مشروعیت ندهد^{۱۹} و حقایق مهم پوشیده نماند.^{۲۰}

در حقیقت سیاست تقیّه، موجب نشد که امام سجّاد(ع) از تبیین جایگاه اهل بیت(ع) که پایه یکی از اصول دین اسلام یعنی امامت را تشکیل می‌دهد، غافل شود. به صورتی که در دعاها، موعظه‌ها و احتجاج‌های بسیاری بر این مهم تأکید کرد و در تفسیر، آیات قرآن کریم را بر شرایط عصر و زمان خود تطبیق نمود.

جدول شماره ۱. روایات تفسیری امام سجّاد(ع) در حوزه تعیین مصداق

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
حمد: ۶	معانی الاخبار، ص ۳۵؛ البرهان، ج ۱، ص ۱۱۴؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۲؛ بحار، ج ۲۴، ص ۱۲	مصداق ظاهری اتم	-----
بقره: ۴۹	احتجاج، ج ۲، صص ۳۱۰-۳۱۱؛ بحار، ج ۴۵، ص ۱۶۲	مصداق باطنی	آیه در مورد ظلم به بنی اسرائیل در میان قوم فرعون است که به مظلومیت اهل بیت(ع) در میان امت پیامبر(ص) تطبیق شده است. خطاب به یزید است
بقره: ۴۹	فراش کوفی، ص ۱۴۹	مصداق باطنی	همان مضمون قبل، خطاب به منهال بن عمرو است
بقره: ۸۳	تفسیر امام حسن عسکری، ۳۳۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۷۹؛ بحار، ج ۲۳، ص ۲۶۳	مصداق باطنی	آیه درباره احسان به والدین است که به احسان بر پیامبر و علی(ع) تطبیق شده و به دلیل این تطبیق هم اشاره شده است.
بقره: ۹۰	مناقب، ج ۱، ص ۲۸۴؛ بحار، ج ۲۳، ص ۳۵۴	مصداق باطنی	آیه در مورد اهل کتاب است و به منکرین اهل بیت(ع) تطبیق شده است.
بقره: ۱۲۶	عباشی، ج ۱، ص ۷۸؛ البرهان، ج ۱، ص ۳۳۳، روایت ۶۳۹؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۱۲۴؛ بحار، ج ۹۶، ص ۸۴	مصداق ظاهری اتم	-----
بقره: ۱۳۰	بحار، ج ۱۴، ص ۳۳؛ الصابفی، ج ۱، ص ۱۹۱	مصداق ظاهری اتم	-----

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
بقره: ۱۴۸	کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۶؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹؛ برهان، ج ۱، ص ۳۴۹	مصداق باطنی	علامه طباطبایی هم این روایت را از باب جری و تطبیق می‌داند.
بقره: ۱۷۱	تفسیر امام حسن عسکری، ص ۵۸۳؛ بحار، ج ۲۷، ص ۵۹	مصداق ظاهری اتم	-----
بقره: ۱۷۳	تفسیر امام حسن عسکری، ص ۵۸۶	مصداق باطنی	امام سجّاد (ع) روایت را از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند. در ابتدای روایت به حجرات: ۱۲ استناد شده است. برای بیان جواز تقیه به این آیه استناد شده است.
بقره: ۱۷۶	تفسیر امام حسن عسکری، ص ۵۸۶؛ البرهان، ج ۱، ص ۵۸۴	مصداق باطنی	-----
بقره: ۱۹۵	من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۰	مصداق ظاهری عام	آیه در روایت نیامده و به مفهوم آیه اشاره شده است. امام از موارد «خود را با دست خود به هلاکت افکندن» را «در معرض ظلم ظالم قرار گرفتن» می‌داند. علامه درباره آیه گوید: آیه شریفه مطلق است و در نتیجه نهی در آن نهی از تمامی رفتارهای افراطی و تفریطی است.

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
بقره: ۱۹۹	کافی، ج ۸، ص ۲۴۴؛ فرات کوفی، ص ۶۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۶؛ البرهان، ج ۱، ص ۴۳۲؛ بحار، ج ۲۴، ص ۹۵	مصدق ظاهری اتم	امام سجّاد (ع) این روایت را از امام حسین (ع) نقل کرده‌اند.
بقره: ۲۰۷	شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۱۳۰؛ البرهان، ج ۱، ص ۴۴۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۴؛ بحار، ج ۱۹، ص ۵۴	مصدق ظاهری کامل، شأن نزول غیر محدود کننده حکم آیه	-----
بقره: ۲۰۸	مناقب، ج ۳، ص ۹۶؛ البرهان، ج ۱، ص ۴۴۷، روایت ۱۰۹۵	مصدق باطنی	امام سجّاد (ع) این روایت را از علی (ع) نقل کرده‌اند.
آل عمران: ۶۱	امالی شیخ طوسی، ص ۵۶۴؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۳۰	مصدق ظاهری کامل، شأن نزول محدود کننده حکم آیه	امام سجّاد (ع) این روایت را از امام حسن (ع) نقل کرده‌اند.
آل عمران: ۷۷	مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۷۵؛ عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۴۴؛ بحار، ج ۲۵، ص ۱۱۱	مصدق ظاهری عام	-----
آل عمران: ۱۰۳	الغیبه، ص ۴۲؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۷۰	مصدق ظاهری اتم	امام سجّاد (ع) روایت را از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند. امام علی (ع) مصداق حبل الله دانسته شده است. علامه طباطبایی ثقلین (قرآن و سنت) را حبل الله می‌دانند. پس هردوی این‌ها در کنار هم مصداق ظاهری کامل خواهند بود.

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
آل عمران: ۱۰۳	معانی الاخبار، ص ۱۳۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷؛ الصافی، ج ۱، صص ۳۶۵-۳۶۶؛ بحار، ج ۲۵، ص ۱۹۴	مصداق ظاهری اتم	قرآن مصداق حبل الله دانسته شده است.
آل عمران: ۱۸۶	الغیبه، ص ۱۹۸؛ عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۴؛ البرهان، ج ۱، ص ۷۲۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۱؛ بحار، ج ۶۸، ص ۴۲۳	مصداق باطنی	امام سجّاد (ع) ظلم اهل کتاب و مشرکین به مسلمانان صدر اسلام را به ظلم بنی امیه به خویش تطبیق کرده‌اند.
آل عمران: ۲۰۰	الغیبه، ص ۱۹۹؛ البرهان، ج ۱، ص ۷۳۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۷؛ الصافی، ج ۱، ص ۴۱۲؛ بحار، ج ۲۴، ص ۲۱۹	مصداق ظاهری عام	روایت با توجه به زیر سؤال بردن شأن ابن عباس، صحیح به نظر نمی‌رسد
مائده: ۴۲	عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۲؛ البرهان، ج ۲، ص ۳۰۵	مصداق ظاهری عام	یکی از مصداق «سُحْت» بیان شده است.
مائده: ۵۵	فرات کوفی، ص ۱۲۵؛ بحار، ج ۳۵، ص ۱۹۸	مصداق ظاهری کامل، شأن نزول محدودکننده حکم آیه	-----
انعام: ۱۵۱	کافی، ج ۵، ص ۵۶۷؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۲؛ عیاشی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ البرهان، ج ۲، ص ۴۹۷	مصداق ظاهری عام	-----
انفال: ۷۰	نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۶۹؛ الصافی، ج ۲، ص ۳۱۵	مصداق ظاهری کامل، شأن نزول غیرمحدود کننده حکم آیه	-----

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
انفال: ۷۵	کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۷۲	مصدق ظاهری اتم	آیه می‌فرماید کسانی که با یکدیگر خویشی دارند، بعضی از آن‌ها برای ارث بردن، از بعضی دیگر سزاوارترند. و امام (ع) نزول این آیه را در حق اهل بیت می‌داند. به نظر می‌رسد هدف روایت بیان قرابت اهل بیت (ع) به پیامبر (ص) است.
توبه: ۳	معانی الاخبار، ص ۲۹۸؛ عباشی، ج ۲، ص ۸۲؛ البرهان، ج ۲، ص ۸۳۲؛ الصفافی، ج ۲، ص ۲۸۷؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۸۳؛ بحار، ج ۳۵، ص ۲۹۳	مصدق ظاهری کامل، شأن نزول غیرمحدودکننده حکم آیه	بر اساس این روایت اعلام کننده برائت از مشرکان در روز حج اکبر، علی (ع) بوده است.
توبه: ۱۹	امالی طوسی، ص ۵۶۳؛ البرهان، ج ۲، ص ۸۳۰	مصدق ظاهری کامل، شأن نزول غیرمحدودکننده حکم آیه	امام سجّاد (ع) روایت را از امام حسن (ع) نقل کرده‌اند.
توبه: ۱۰۰	امالی طوسی، ص ۵۶۳؛ البرهان، ج ۲، ص ۸۳۰	مصدق ظاهری اتم	امام سجّاد (ع) روایت را از امام حسن (ع) نقل کرده‌اند.
هود: ۱۷	مناقب، ج ۳، ص ۸۵؛ البرهان، ج ۳، ص ۹۴؛ بحار، ج ۳۵، ص ۳۸۸	مصدق ظاهری اتم	امام سجّاد (ع) روایت را از علی (ع) نقل کرده‌اند.
هود: ۳۴	تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۳؛ بحار، ج ۲۲، ص ۲۸۹	مصدق ظاهری عام	روایت با توجه به زیر سؤال بردن شأن ابن

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
			عباس، صحیح به نظر نمی‌رسد
هود: ۱۱۸- ۱۱۹	عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۴؛ البرهان، ج ۳، ص ۱۴۷؛ نورالتقلین، ج ۲، ص ۴۰۵؛ الصادق، ج ۲، ص ۴۷۸	مصداق ظاهری عام	در جواب سؤال آمده است
رعد: ۴۱	کافی، ج ۱، ص ۳۸؛ البرهان، ج ۳، ص ۲۷۱؛ نورالتقلین، ج ۲، ص ۵۲۰	مصداق ظاهری عام	-----
حجر: ۴۱	نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۵	مصداق باطنی	-----
حجر: ۴۷	صوارم المهرقه، ج ۱، ص ۲۴۷؛ الدرالمنثور، ج ۴، ص ۱۰۱	مصداق ظاهری عام	
اسراء: ۲۶	احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۶؛ البرهان، ج ۳، ص ۵۲۱؛ نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۵۵؛ بحار، ج ۲۳، ص ۲۵۲	مصداق ظاهری اتم	آیه درباره پرداخت حقوق ذی القربی است و امام (ع) نزول این آیه را در حق اهل بیت (ع) می‌داند. به نظر می‌رسد هدف روایت بیان قرابت اهل بیت (ع) به پیامبر (ص) است.
اسراء: ۷۲	بحار، ج ۲۲، ص ۲۸۹	مصداق ظاهری عام	روایت با توجه به زیر سؤال بردن شأن ابن عباس، صحیح به نظر نمی‌رسد
مریم: ۵۸	مناقب، ج ۴، ص ۱۲۹؛ البرهان، ج ۳، ص ۷۲۳؛ نورالتقلین، ج ۳، ص ۳۵۱؛ بحار، ج ۲۴، ص ۱۴۷	مصداق ظاهری اتم	-----

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
	الصافی، ج ۳، ص ۲۸۷		
طه: ۸۲	مناقب، ج ۴، ص ۱۲۹؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۸۸؛ بحار، ج ۲۴، ص ۱۴۷؛ الصافی، ج ۳، ص ۳۱۴	مصدق ظاهری اتم	-----
طه: ۱۳۲	تأویل الآیات، ص ۳۱۶؛ البرهان، ج ۳، ص ۷۹۰؛ بحار، ج ۲۵، ص ۲۲۰	مصدق ظاهری کامل، شأن نزول محدودکننده حکم آیه	-----
انبیاء: ۷	کافی، ج ۱، ص ۲۱۲؛ البرهان، ج ۳، ص ۴۲۴؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۶؛ بحار، ج ۲۳، ص ۱۷۷؛ صافی، ج ۳، ص ۱۳۷	مصدق باطنی	-----
حج: ۷۸	مناقب، ج ۴، ص ۱۲۹؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۲۶؛ بحار، ج ۲۳، ص ۳۵۰	مصدق ظاهری اتم	-----
نور: ۳۵	فرات کوفی، صص ۲۸۵-۲۸۶؛ البرهان، ج ۴، ص ۷۱؛ بحار، ج ۲۳، ص ۳۲۴	مصدق ظاهری اتم	-----
نور: ۵۵	البرهان، ج ۴، ص ۹۶؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۶۲۰	مصدق ظاهری اتم	-----
قصص: ۵	مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۵؛ فرات کوفی، ص ۳۱۴؛ البرهان، ج ۴، ص ۲۵۵؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۰۹؛ بحار، ج ۲۴، ص ۱۷۱	مصدق باطنی	-----
عنکبوت	تفسیر امام حسن عسکری، ص ۳۳۰؛	مصدق باطنی	-----

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
ت: ۸	البرهان، ج ۴، ص ۳۰۷		
احزاب: ۳۱ و ۳۰	مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۵۶؛ البرهان، ج ۴، ص ۴۴۱؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۶۸	مصداق باطنی	در جواب شبهه آمده است
احزاب: ۳۳	امالی طوسی، ص ۳۶۸؛ البرهان، ج ۴، ص ۴۵۴؛ بحار، ج ۳۵، ص ۲۰۸	مصداق ظاهری کامل، شأن نزول غیر محدودکننده حکم آیه	امام سجّاد(ع) روایت را ازم سلمه نقل کرده‌اند. بر اساس این روایت، آیه در شأن پیامبر(ص)، علی(ع)، فاطمه(س) و حسن(ع) و حسین(ع) نازل شده است؛ امام دیگر معصومین هم مصداق اهل بیت هستند.
احزاب: ۵۰	نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۹۳؛ بحار، ج ۲۲، ص ۱۸۰	مصداق ظاهری کامل، شأن نزول محدودکننده حکم آیه	-----
سبأ: ۵۱	مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۲۱؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۴۳	مصداق ظاهری عام	-----
یس: ۳۳	بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۷	مصداق باطنی	-----
زمر: ۵۶	فرائد کوفی، ص ۳۶۶؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۵؛ بحار، ج ۳۹، ص ۲۳۲	مصداق ظاهری اتم	-----
شوری: ۱۳	بصائر الدرجات، ص ۱۱۸؛ البرهان، ج ۴، ص ۸۱۱؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۶۲؛ بحار، ج ۲۶، ص ۱۴۲	مصداق ظاهری اتم	-----
شوری: ۳۰	البرهان، ج ۴، ص ۸۲۷؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۸۰	مصداق ظاهری عام	-----

آیه	آدرس روایت	گونه شناسی روایت	توضیحات
	بحار، ج ۷۰، ص ۳۱۵		
ذاریات ۲۳:	البرهان، ج ۵، ص ۱۶۱	مصدق باطنی	-----
الرحمن :	قمی، ج ۲، ص ۳۴۵؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۹۲	مصدق ظاهری عام	-----
واقعه: ۱۱-۱۰	امالی طوسی، ص ۵۶۳؛ البرهان، ج ۵، ص ۲۵۵	مصدق ظاهری اتم	امام سجّاد(ع) روایت را از امام حسن(ع) نقل کرده‌اند.
حدید: ۱۰	امالی طوسی، ص ۵۶۳؛ البرهان، ج ۵، ص ۲۸۲	مصدق ظاهری اتم	امام سجّاد(ع) روایت را از امام حسن(ع) نقل کرده‌اند.
حدید: ۱۹	تهذیب، ج ۶، ص ۱۶۷؛ البرهان، ج ۵، ص ۲۹۰؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۲۴۵؛ بحار، ج ۶۴، ص ۵۳	مصدق ظاهری اتم	در جواب سوال است
حشر: ۱۰	البرهان، ج ۵، ص ۳۴۳	مصدق ظاهری اتم	امام سجّاد(ع) روایت را از امام حسن(ع) نقل کرده‌اند.
انسان: ۵- ۸-	شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۳۹۷؛ فرات کوفی، ص ۵۲۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۹۰	مصدق ظاهری کامل، شأن نزول غیر محدودکننده حکم آیه	-----

نتیجه گیری

گونه‌های روایات امام سجّاد(ع) در حوزه تعیین مصداق دو دسته است: روایات تعیین کننده مصداق ظاهری و روایات تعیین کننده مصداق باطنی. در روایات تعیین کننده مصداق ظاهری، مفهوم ظاهری آیه به شخص یا حادثه معینی منطبق می‌شود. این دسته، خود شامل سه گونه‌ی کامل، اتم و عام است.

بعضی روایات به تعیین مصداقی می‌پردازد که آیه در شأن آن‌ها نازل شده است. این مصداق، مصداق ظاهری کامل است، در موارد اندکی، تنها مصداق آیه به شمار می‌روند و در حقیقت تفسیر آیه هستند؛ اما در بیشتر موارد، حکم آیه را محدود نمی‌کنند و آیه مصداق دیگر را نیز در بر می‌گیرد. گاه روایات به تعیین مصداقی می‌پردازد که بارزترین و کامل‌ترین مصداق آیه به شمار می‌آید. این مصداق را مصداق اتمّ می‌نامیم و تفاوت آن با نوع قبل در این است که آیه در شأن آن‌ها نازل نشده است. گاه روایات به تعیین مصداقی می‌پردازد که تنها یکی از مصداق محتمل برای آیه است و جایگاه خاصی در میان دیگر مصداق دارا نیست. این مصداق، مصداق عام شمرده شده است.

روایات تعیین کننده مصداق باطنی آیات روایاتی است که خصوصیات و قراینی که آیه را دربر گرفته است، کنار گذاشته و به عموم لفظ و عموم ملاک استناد می‌کند و به یکی از بارزترین نمونه‌های این معنی کلی که همان مصداق باطنی است، اشاره می‌کند. سیاست تقیه، موجب نشد که امام سجّاد(ع) از تبیین جایگاه اهل بیت(ع) که پایه یکی از اصول دین اسلام یعنی امامت را تشکیل می‌دهد، غافل شود. به صورتی که در دعاها، موعظه‌ها و احتجاج‌های بسیاری بر این مهم تأکید کرد و در تفسیر، آیات قرآن کریم را بر شرایط عصر و زمان خود تطبیق نمود.

یادداشت‌ها

۱. دلالت برون زبانی، در اصل به رابطه میان واحدهای زبان نظیر واژه و جمله از یک سو و مصداق‌های جهان خارج از زبان از سوی دیگر اشاره دارد. چنین معنایی ما را از زبان بیرون می‌برد و به مصداق‌های جهان خارج می‌کشاند؛ به همین دلیل، دلالت لفظ بر مصداق را دلالت برون زبانی می‌نامند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۶۱).
۲. از همین روی گلدزیهر تعداد زیادی از روایات ذیل آیات (نور: ۳۵، بلد: ۷، حجر: ۸۷ و...) را ذکر کرده است و آنها را تفسیر حزبی می‌داند (گلدزیهر، ۱۳۸۳، ص ۲۸۰).

۳. برای مثال نگارنده در مقاله جایگاه قرآن در روایات امام سجّاد (ع)، بینات، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان ۸۹، ص ۲۶، به گوشه‌ای از نتایج تاریخی حاصل از بررسی روایات تفسیری امام سجّاد (ع) اشاره کرده است.
۴. علامه طباطبایی در تبیین معنای تفسیر گوید: «تفسیر به معنی بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدالیل آن است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴). برای مشاهده دیگر تعاریف ر.ک: (خویی، ۱۴۰۱، ص ۳۹۷؛ معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶).
۵. برای مثال علامه طباطبایی با وجود اینکه حتی برخی از مباحث لغوی، قرائت و... را جزء تفسیر قرآن نمی‌داند؛ اما روایات محتوی این موضوعات و نیز روایات محتوی تعیین مصادیق و بطن آیه را ذیل تفسیر آیات آورده است.
۶. برخلاف مصداق باطنی که مصداقی از مفهوم باطنی آیه است و در ادامه به آن خواهیم پرداخت.
۷. اصطلاح «جری» اصطلاحی برگرفته از روایات معصومان (ع) است (ر.ک: روایتی از امام باقر (ع) در: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰) که توسط برخی مفسران بزرگ همچون علامه طباطبایی، بسیار به کار گرفته شده است. خود او در این زمینه می‌گوید: «بعضی از روایات، بطن قرآن، یعنی انطباق قرآن را به مواردی که به واسطه تحلیل به وجود آمده، از قبیل جری می‌شمارد» (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۶۱).
- از این تعریف، معنای دو اصطلاح جری و تطبیق هر دو روشن می‌شود؛ به این ترتیب که تطبیق، بیان مصادیق آیه و جری، تطبیق آیه بر مصادیقی است که به واسطه تحلیل به وجود می‌آیند.
۸. البته در روایات دیگر، تنها مصداق این آیه افراد دیگر معرفی شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۵۷۱)؛ اما با فرض پذیرفتن روایت امام سجّاد (ع) این شأن نزول تنها مصداق آیه خواهد بود.
۹. و نیز ر.ک: تفسیر مائده: ۵۵ (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۵).
۱۰. برای اطلاع از مورد دیگر ر.ک: تفسیر احزاب: ۳۳ (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۰۸، باب ۵، روایت ۶).
۱۱. مانند تفسیر انبیا: ۱۰۵ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۸).

۱۲. برای اطلاع از موارد دیگر ر.ک: تفسیر بقره: ۱۲۶ (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۲۰۴، باب ۵۴، روایت ۲) تفسیر مریم: ۵۸ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۱۴۷، باب ۴۵، روایات ۲۰ و ۲۱؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۵۱).
۱۳. از جمله نمونه‌های مصادیق عام آیه، روایتی منسوب به امام سجّاد(ع) است که در آن، حضرت سه آیه از قرآن (اسراء: ۷۲، هود: ۳۴، آل عمران: ۲۰۰) را در مورد ابن عباس و پدرش دانسته است و به نظر تطبیق قابل قبولی نمی‌آید. ر.ک: (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۲۸۹، باب ۵، روایت ۶۱) و تفاسیر روایی شیعه ذیل هر سه آیه.
۱۴. «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْإِنْسَانِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا».
۱۵. برای مثال ر.ک: روایتی از امام صادق(ع) نقل شده در: (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۶۴) و نیز حدیثی از امام حسن عسکری(ع) روایت شده در: (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۷).
۱۶. روایات دیگری برای این مفهوم از دیگر ائمه نیز نقل شده است. برای مثال ر.ک: روایتی از امام رضا(ع) (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۲۶) و نیز روایتی از امام صادق(ع) (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۸).
۱۷. برای اطلاع از موارد دیگر ر.ک: تفسیر احزاب: ۳۰ (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۴۱؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۶۸) تفسیر انبیاء: ۸ (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۷۷، باب ۹، روایت ۱۶).
۱۸. به تفسیر امام(ع) ذیل (قصص: ۵) و (عنکبوت: ۸) در نمونه‌های یاد شده رجوع کنید.
۱۹. اینکه مردم تصور می‌کردند در نبرد حرّه، هدف، امام سجّاد(ع) است، نشان دست یابی حضرت به همین هدف است (مفید، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۱۵۱).
۲۰. تأکید امام(ع) در شناساندن خود و خاندانش و حقوق اهل بیت(ع) را می‌توان جنبه‌هایی از این حقایق مهم دانست.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید (۱۴۰۷ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالجلیل.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۰ق)، الامالی، بیروت: انتشارات اعلمی، چاپ پنجم.
- همو (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۶ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق ریاض عبدالله عبدالهادی، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۹ق)، المناقب، قم: انتشارات علامه.
- احسانی فر لنگرودی، محمد (۱۳۸۴)، «طرحی نو در تبیین غنای تفسیری در احادیث اهل بیت (ع)»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۳۵-۳۶.
- امین اصفهانی، سیده نصرت بیگم (۱۳۶۱)، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: مؤسسه بعثت.
- بلاغی نجفی، محمد جواد (بی تا)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه الوجدانی، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
- حاج حسن، حسین (۱۴۱۴ق)، حضارة العرب فی العصر الاموی، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.
- حسکانی، حاکم (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل، بی جا: مؤسسه چاپ و نشر.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهره، قم: جامعه مدرسین.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، نورالتقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۱ق)، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا: انوارالهدی، چاپ دوم.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۱)، نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا، قم: دفتر نشر معارف.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر الممشور فی التفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۱)، *میانی و روش‌های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

شوشتری، نورالله (۱۳۶۷ق)، *الصوارم المهرقه*، تهران: چاپخانه نهضت.

صفوی، کورش (۱۳۸۷)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر، چاپ سوم.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

همو (۱۳۶۱)، *قرآن در اسلام*، بی‌جا: بنیاد علوم اسلامی، چاپ سوم.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *الاحتجاج*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم: دارالتقافه.

همو (بی‌تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

همو (۱۳۶۵)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: انتشارات علمیه.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۶ق)، *الصفای فی تفسیر کلام الله*، تهران: مکتبه الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، *تفسیر منسوب به قمی*، قم: دارالکتاب.

کوفی، فرات (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر

گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۳)، *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*، ترجمه سید ناصر طباطبایی،

مقدمه و حواشی سید محمد علی ایازی، تهران: ققنوس.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار*، بیروت: دار الاحیاء

التراث العربی، چاپ سوم.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲)، *اثبات الوصیه (للامام علی بن ابی طالب)*، قم: انصاریان،

چاپ دوم.

معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه التشیب*، ترجمه علی خیاط، قم:

مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ سوم.

مفید، محمد بن محمد (۱۳۴۶)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، بی‌جا: انتشارات علمیه

اسلامیه، چاپ دوم.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

٦٦ مطالعات قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره دوم - بهار و تابستان ۱۳۹۰، پیاپی ۸

نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق.